

مکاتیب راہِ الحاشیہ

وقت و صفت

خاطرات و نظرات محمد عبدالصمدی
بہ انضمام خاطرات و نظرات دوستان

سرشناسه: عبدالصمدی، محمد، ۱۳۲۵

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به راه طی شده در تولید و صنعت (خاطرات و نظرات محمد عبدالصمدی به انضمام خاطرات و نظرات دوستان) / نویسنده: محمد عبدالصمدی؛ ویراستاران: مهدی غنی، وحید طبائی وضعیت ویراست: ویراست ۲

مشخصات نشر: تهران: آرمان رشد، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۸۴۴ ص، جدول

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۷۰-۴۸-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: عبدالصمدی، محمد، ۱۳۲۵ -- خاطرات

موضوع: مدیریت صنعتی -- ایران (Industrial Management -- Iran)

موضوع: مدیریت تولید -- ایران (Production Management -- Iran)

موضوع: مدیران -- ایران -- اخلاق حرفه‌ای (Executives -- Professional Ethics -- Iran)

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ / ۵۱ / ۵۱ / HD۳

رده‌بندی دیویی: ۶۵۸/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۸۲۵۶۲۴۵

نگاهی به راه طی شده در تولید و صنعت

(خاطرات و نظرات محمد عبدالصمدی به انضمام خاطرات و نظرات دوستان)

نویسنده: محمد عبدالصمدی

حروف چین: میلاد میلانی

شمارگان: ۲۰۰۰

نوبت چاپ: اول (ویرایش دوم)

سال چاپ: ۱۳۹۷

قیمت: ۶۰۰,۰۰۰ ریال

ویراستاران: مهدی غنی، وحید طبائی

صفحه آرا: وحید طبائی

طراح جلد: شیوا بهرامی

مدیر فنی: سحر عظیمی

مدیر اجرایی: سید علیرضا صالحی



آرمان‌رشد

تهران، خ انقلاب، بین خ دانشگاه و خ ابوریحان، پلاک ۱۱۸۲، طبقه ۱۰

info@armanroshd.com ✉ www.armanroshd.com 🌐

۶۶۴۸۶۰۱۳ 📞

@Armanroshd 📧

فهرست

مقدمه	۱
پیش‌گفتار	۱۱
فصل اول: معارفه	۱۳
فصل دوم: پرونده کاری	۳۳
فصل سوم: شرایط موفقیت یک مدیر	۸۵
فصل چهارم: اخلاق مدیر	۱۴۵
فصل پنجم: اصول تصمیم‌گیری	۲۱۵
فصل ششم: برخورد با پرسن انسانی	۲۵۳
فصل هفتم: سازماندهی	۳۴۳
فصل هشتم: تولید	۳۹۱
فصل نهم: خلاقیت مدیر	۵۲۱
فصل دهم: داوری	۵۴۹
فصل یازدهم: مدیر و تخلفات	۵۸۷
فصل دوازدهم: مدیریت و قانون	۶۴۵

فصل سیزدهم: مدیریت و خصلت‌های لازم ۶۶۹

فصل چهاردهم: انواع مدیریت ۶۸۹

فصل پانزدهم: نامه‌ها ۷۰۹

فصل شانزدهم: برداشت‌های قرآنی ۷۷۵

www.ketab.ir

تجارب شخص و سرمایه ملی

حتماً شما هم از این حکایت‌ها شنیده‌اید که یکی در مزرعه‌اش زمین را می‌کارد. ناگهان از زیر زمین چشمه‌ای پدیدار شد و آب گوارایی از دل خاک جوشید. یا آن دیگری در باغچه‌اش بیل می‌زد، به جسم سختی برخورد کرد و نهایتاً به گنجی عظیم دست یافت. حکایت من با آقای عدل‌مدی بی‌شباهت به این حکایت‌ها نیست. سال ۱۳۷۹ یا ۳۸۰ به این فکر افتادم چرا اغلب خاطرات و تجربیاتی که گفته شده و ثبت شده مربوط به کنشگران سیاسی است؟ به ندرت یک فعال اجتماعی یا مدیر اقتصادی یا فرهنگی تجربیات و مشاهداتش را عرضه کرده‌است. چرا یک معلم خاطره نمی‌نویسد تا سایر معلمان از تجارب او بهره‌مند شوند؟ ولی از یک زندانی سیاسی یا مبارز انقلابی انتظار می‌رود مشاهدات و خاطراتش را ثبت کند؟

با این ذهنیت بود که سیراغ آقای عبدالصمدی آمدم و از ایشان خواستم تجربیات و مشاهداتشان را در یک مصاحبه مطبوعاتی بگویند تا در روزنامه منتشر شود. ایشان در بدو امر فروتنانه و یا شاید بر اساس همان عرف نابجا، گفتند مطلب مفیدی که به درد مردم بخورد ندارم. اصرار من به اینجا منجر شد که ایشان به سئوالات طرح شده پاسخ گوید اگر پاسخ‌ها مفید نبود منتشر نمی‌کنیم. گفت وگویی آن روز بیش از یک ساعت به درازا کشید و مطالب بکر و جالبی توسط ایشان مطرح شد.

جلسه بعد همراهی با نوشته گفت وگویی قبلی ادامه یافت و به نظر رسید که ما برای هر روز از یک صفحه روزنامه است. با ایشان مطرح کردم این مطالب بهتر است به صورت کتاب درآید، از اینجا بود که گویی آن چشم‌پوشان به فروش آمد. به سرعت فصل‌های کتاب مشخص شد. هر بار مطالب را ایشان بازبینی می‌کردند، نکاتی جدید بدان می‌فزودند. جلد اول آماده چاپ شد و ایشان همزمان با چاپ آن به فکر جلد دوم آن افتاد. اینجا بود که من جاماندم و نتوانستم با شتاب و توان بالای ایشان همراه شوم. به قول مولانا:

سر چشمه شاید گرفتن به بیل

چو پر شد نشاید گذشتن به پیل

کتاب تجربیات ایشان تحت عنوان: "نگاهی به راه طی شده در تولید و صنعت" وقتی منتشر شد، علاوه بر اینکه برای دست‌اندرکاران تولید و صنعت به عنوان یک راهنما و رساله عملیه کاربردی مفید افتاد، یک اثر جانبی دیگر هم داشت. برخی مدیران پس از مشاهده این کتاب و کار ارزشمند ایشان،

به این فکر افتادند که دست به کار شوند و به ثبت تجربیات خود همت گمارند.

سالیانی است از تولید علم بومی بویژه در زمینه علوم انسانی سخن گفته می‌شود. اما زمانی این مهم میسر می‌شود که ما تجربیات بومی مدون و قابل دسترس برای پژوهشگران در حوزه های مختلف داشته باشیم. با تکیه بر تجربیات بومی است که می‌توان برای زیست بوم ایرانی نظریه پردازی کرد. وقتی بانکی از تجربیات مدیران کشور نداریم، چگونه می‌توانیم علم مدیریت بومی که مبتنی بر مختصات و مقتضیات ایرانی است بسازیم؟ سخن بگوییم. امیدواریم مدیران، فعالان عرصه های مختلف فرهنگی، اقتصادی، صنعتی و... کار خود را دست کم نگیرند و از همسایه والای آقای عبدالصمدی و پیگیری و پشتکار ایشان در ثبت تجربیات خود، الهام و نیرو بگیرند و با ثبت تجربیات و خاطرات خود، برای آیندگان چراغ راه گردند.

برخی گمان می‌کنند با اکتفا به موفقیت چشم‌گیری در کار و تولید دست یافته باشند تا ارزش ثبت و انتشار داشته باشد، در حالی که اگر کسانی در گذشته به لحاظ عدم موفقیت‌ها و شکست‌هایشان را ثبت کرده و برای ما تجربه داده بودند، چه بسا افراد بسیاری آن شکست‌ها را تکرار نمی‌کردند. با مثالی منظره روشن تر می‌شود.

در بخش شرقی تهران فضای سبزی است به نام سرخه حصار که حالت جنگلی دارد. زمانی من به زنبورداری مشغول بودم و قصد داشتم مدتی در آن منطقه اقامت کنم. برای تعیین محل زنبورستان به نقاط مختلفی در آنجا مراجعه کردم. در هر نقطه کسی می‌گفت چند سال قبل کسی زنبورهایش را به اینجا

آورد ولی دیگر پیدایش نشد. سرانجام به کسی برخوردیم که خودش قبلاً زنبورداری داشت. گفت از این منطقه صرف نظر کن. من سالیان گذشته مشغول این کار بودم و وقتی زنبورها را به اینجا آوردم، بخش اعظم آن‌ها تلف شدند و این کار را رها کردم. معلوم شد آبی که در جوی‌های منطقه روان بود پسباب کارخانجات اطراف و آلوده به مواد شیمیایی است که زنبورها را مسموم می‌کرد. اما نکته این بود که هیچکدام از زنبوردارانی که در سالیان گذشته به این منطقه آمده و دچار این بلیه شده بودند، تجربه خود را به دیگری منتقل نکرده بودند. حتی بخش‌های ریزی جهادسازندگی هم از این ماجرا مطلع نبود. این فاجعه را به بخش‌های تولیدی، کشاورزی، دامداری، صنعتی و حتی مدیران‌های کلان کشور در حال تکرار و تداوم است. بنابراین یک فکری ملی است که هرکس در هر صنف و مقام و موقعیت که باشد، باور کند تجربیات تلخ و شیرین‌اش یک سرمایه ملی و متعلق به همه ملت ایران است و باید به آنها برگردد. باور کنیم در وجود همه ما آن چشمه جوشان که در شخص آقای عبدالصمدی فوران کرده، هست فقط باید مسیرش را بگشاییم.

در کتاب پیش رو موضوع‌های متنوعی به بحث گذاشته شده که طی شانزده فصل دسته‌بندی شده است. از آنجا که ممکن است خواننده با موضوع هر فصل آشنایی نداشته باشد از این رو برای ورود به هر فصل مطلبی برای آشنایی با وجوه مربوطه نگاشته شده که امید است مفید افتد.

مهدی غنی

۱۳۹۷/۵/۵